فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۶)، ویژه نامه پاییز ۱۴۰۴

بررسی اعتبار و آثار شرط وجه التزام در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه و آلمان

عبدالمومن علی پور[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰
کد مقاله: ۲۹۹۰۲

چکـیده

شرط وجه التزام در حقوق ایران، به‌عنوان توافقی تبعی در قراردادها، نقش مؤثری در تضمین حسن اجرای تعهدات دارد. این شرط به موجب آن، متعهد در صورت تأخیر یا عدم انجام تعهد، ملزم به پرداخت مبلغی معین به طرف مقابل می‌گردد، بدون آنکه نیاز به اثبات ضرر باشد. با وجود پذیرش این شرط در حقوق ایران بر مبنای اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ قانون مدنی، رویه قضایی در برخی موارد امکان تعدیل مبلغ وجه التزام را در صورت غیرمنصفانه بودن یا نامتناسب بودن با خسارت واقعی مجاز می‌داند. این وضعیت بیانگر توازن میان اراده طرفین و مداخله قضایی برای تأمین عدالت قراردادی است. در حقوق تطبیقی، نظام حقوقی فرانسه شرط جزایی را معتبر می‌داند اما اختیار کاهش آن را در صورت عدم تناسب با خسارت واقعی برای دادگاه‌ها قائل است. در حقوق آلمان نیز، شرط وجه التزام پذیرفته شده ولی در چارچوب اصول سخت‌گیرانه‌تری نظیر ممنوعیت تحمیل شرایط غیرمنصفانه بر متعهد بررسی می‌شود. در هر دو نظام، اصل حاکمیت اراده محترم شمرده می‌شود، اما نظارت قضایی برای جلوگیری از سوءاستفاده و تضمین عدالت الزامی است. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که هر سه نظام حقوقی در پی ایجاد تعادل میان آزادی قراردادها و تضمین انصاف در اجرای آن هستند.

واژگـان کلـیدی: وجه التزام، حقوق قراردادها، عدالت قراردادی، حقوق ایران، حقوق تطبیقی

۱ – عنوان نویسنده

۱- مقدمه

در حقوق قراردادها، یکی از ابزارهای مهم برای تضمین اجرای تعهدات، شرط وجه التزام یا شرط خسارت قراردادی به انگلیسی (liquidated damages)، به فرانسوی (clause pénale) است. این شرط، توافقی است که به موجب آن، در صورت تخلف یکی از طرفین از انجام تعهد، موظف به پرداخت مبلغ معینی به عنوان خسارت به طرف دیگر می‌گردد. شرط وجه التزام با هدف تقویت ضمانت اجرای قرارداد و پیشگیری از نقض آن تنظیم می‌شود و در بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر، جایگاهی مهم و رسمی دارد (صفاری، ۷۲:۱۴۰۳). در نظام حقوقی ایران، این شرط صراحتاً در ماده ۲۳۰ قانون مدنی مورد شناسایی قرار گرفته است. مطابق این ماده: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند» (محمدی، ۳۲۴:۱۴۰۲). بر این اساس، اصل بر آن است که دادگاه نمی‌تواند مبلغ وجه التزام را کاهش یا افزایش دهد؛ حتی اگر مبلغ مورد نظر به‌وضوح نامتناسب یا غیرعادلانه باشد. این رویکرد سخت‌گیرانه، به ظاهر به اصل «لزوم قرارداد» استناد دارد، ولی در عمل می‌تواند با اصولی همچون عدالت قراردادی، منع سوءاستفاده از حق و تناسب میان تعهد و ضمانت اجرا در تعارض باشد (رستمی، ۱۲۰:۱۴۰۲). در کنار ماده ۲۳۰، مواد ۲۲۶ تا ۲۲۹ قانون مدنی نیز مبنای مسؤولیت قراردادی را تبیین می‌کنند. بر اساس ماده ۲۲۶، متعهد تنها در صورتی مسئول خسارت است که نتواند اثبات کند عدم انجام تعهد به دلیل «علت خارجی» بوده است. ماده ۲۲۷ نیز همین مضمون را تأیید کرده و ماده ۲۲۸ اختیار قاضی در تعیین میزان خسارت را مشروط به رعایت ماده قبل دانسته است. ماده ۲۲۹ تصریح می‌کند که اگر عدم اجرای تعهد ناشی از حادثه‌ای خارج از توان متعهد باشد، وی مسئول خسارت نیست (محمدی،۲۸۷:۱۴۰۲). از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۵۱۵ مقرر می‌دارد که خواهان می‌تواند جبران خسارت‌های ناشی از طرح دعوا را مطالبه کند. با این حال، تبصره ماده ۵۱۵ تصریح می‌کند که: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست، مگر در مواردی که قانون تصریح کرده باشد» (شمس، ۱۴۰۰: ۴۲۲). این حکم موجب ابهام در مواردی شده که وجه التزام ممکن است جنبه جبران عدم‌النفع داشته باشد. رویه قضایی نیز، به‌ویژه در رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، با تکیه بر ماده ۲۳۰، اعلام داشته است که «وجه التزام مقرر در قرارداد، بدون نیاز به اثبات ورود ضرر، لازم‌الاجراست» (رستمی، ۱۱۸:۱۴۰۲). در حقوق فرانسه، پس از اصلاحات اساسی قانون قراردادها در سال ۲۰۱۶ و تصویب نهایی آن در سال ۲۰۱۸، ماده ۱۲۳۱-۵ قانون مدنی فرانسه جایگاه فعلی شرط جزایی را تبیین می‌کند. بر اساس این ماده: «هرگاه قرارداد پیش‌بینی کند که در صورت تخلف، متعهد مبلغی به عنوان خسارت بپردازد، دادگاه نمی‌تواند مبلغی بیش از آن یا کمتر از آن را حکم کند؛ مگر آن‌که شرط مقرر، آشکارا افراطی یا ناچیز باشد که در این صورت، قاضی می‌تواند حتی رأساً آن را تعدیل کند» (صفاری، ۷۲:۱۴۰۳). این ماده، برخلاف رویکرد سخت‌گیرانه حقوق ایران، برای دادگاه اختیار تعدیل وجه التزام در راستای تحقق عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده را قائل شده است. در حقوق آلمان نیز، مقررات مربوط به وجه التزام در قانون مدنی این کشور (BGB) تحت عنوان Vertragsstrafe در مواد ۳۳۹ تا ۳۴۳ آمده است. ماده ۳۳۹ BGB مقرر می‌دارد: «اگر بدهکار تعهد کند که در صورت عدم اجرای تعهد، مبلغی به عنوان جریمه پرداخت نماید، این جریمه در صورت وقوع تخلف قابل مطالبه است» (رشیدی،۱۳۵:۱۴۰۲). همچنین، ماده ۳۴۳ BGB تصریح می‌کند: «اگر وجه التزام نامتناسب و غیرمعقول باشد، دادگاه می‌تواند به درخواست بدهکار، آن را کاهش دهد» (همان:۱۳۶). در این نظام حقوقی، اصل بر احترام به قرارداد است؛ ولی چنانچه شرط وجه التزام به‌طور افراطی تعیین شده باشد، عدالت ایجاب می‌کند که قاضی امکان تعدیل داشته باشد. این انعطاف‌پذیری، برخلاف قانون مدنی ایران، قابلیت جلوگیری از تحمیل شروط غیرمنصفانه را دارد. در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران با استناد به ماده ۲۳۰ قانون مدنی، وجه التزام را الزام‌آور دانسته و مداخله قضایی در آن را ممنوع کرده است. این رویکرد، در مواردی که وجه التزام به‌شدت غیرمنصفانه یا نامتناسب باشد، می‌تواند ناعادلانه تلقی شود. در مقابل، نظام‌های حقوقی فرانسه و آلمان، با لحاظ معیارهایی همچون «افراط» یا «عدم تناسب»، امکان تعدیل شرط را برای قاضی فراهم کرده‌اند. این مقایسه نشان می‌دهد که بازنگری در ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران با توجه به تحولات حقوق تطبیقی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تقویت عدالت قراردادی، حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد، و جلوگیری از سوءاستفاده از حق باشد.

۲-کلیات و مبانی نظری شرط وجه التزام

در نظام حقوقی ایران و سایر نظام‌های حقوقی، شرط وجه التزام به عنوان یکی از ابزارهای تضمین اجرای تعهدات قراردادی شناخته می‌شود. این شرط که گاهی با عنوان شرط خسارت قراردادی نیز یاد می‌شود، عبارت است از توافق طرفین برای تعیین مبلغ مشخصی که در صورت تخلف هر یک از آنها باید به طرف مقابل پرداخت شود، بدون آنکه نیازی به اثبات خسارت واقعی باشد. بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید.» (قانون مدنی، ۱۳۱۱، ماده ۲۳۰:۶۲۷).

این ماده نشان‌دهنده اعتبار شرط وجه التزام و قاعده نفی تعدیل قضایی آن در حقوق ایران است که البته در حقوق تطبیقی متفاوت دیده می‌شود (رستمی، ۷۷:۱۴۰۲). وجه التزام از حیث ماهیت، شرطی تبعی است که بر قرارداد اصلی بار می‌شود تا تضمینی برای وفای به تعهدات باشد و به عنوان ضمانت اجرای قراردادی بدون نیاز به اثبات خسارت واقعی عمل کند. به همین دلیل، وجه التزام با خسارت ناشی از مسئولیت مدنی تفاوت اساسی دارد؛ چراکه در مسئولیت مدنی، اثبات وقوع و میزان خسارت لازم است، اما در شرط وجه التزام، مبلغ خسارت از پیش تعیین شده و مورد توافق طرفین قرار گرفته است (موسوی، ۵۶:۱۴۰۱). در واقع وجه التزام به عنوان تضمینی برای نظم و امنیت حقوقی روابط قراردادی شناخته می‌شود که موجب تسریع در اجرای تعهدات و جلوگیری از دعاوی احتمالی می‌گردد. از منظر فقه اسلامی، شرط وجه التزام با تکیه بر اصول وفای به عهد و آزادی اراده مشروعیت یافته است. فقیهانی مانند شیخ انصاری و امام خمینی معتقدند که «المؤمنون عند شروطهم» اصل پذیرفته شده‌ای است و شرط وجه التزام را به عنوان شرط نتیجه لازم در ضمن عقد تلقی می‌کنند (انصاری، ۱۴۱۵ق:۱۲۲). همچنین آیت‌الله خویی شرط وجه التزام را منوط به عدم مخالفت با قواعد فقهی می‌داند و اجرای آن را در قالب قراردادها مجاز می‌شمارد (خویی، ۱۴۲۲ق:۴۰۴). به این ترتیب، دیدگاه فقهی معاصر زمینه مشروعیت و اعتبار این شرط را در حقوق ایران فراهم آورده است. از دیدگاه اقتصادی، وجه التزام به عنوان ابزاری کارآمد برای کاهش هزینه‌های مبادله و دعواهای حقوقی شناخته می‌شود. نظریه کارایی قراردادها بر این باور است که تعیین خسارت به صورت پیشینی، سبب می‌شود طرفین با آگاهی از پیامدهای تخلف، تعهدات خود را بهتر رعایت کنند و از بروز اختلافات جلوگیری شود (صفاری، ۱۰۲:۱۴۰۳). این ویژگی وجه التزام باعث می‌شود ریسک قراردادها دقیق‌تر ارزیابی و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات با دقت بیشتری صورت پذیرد و بدین ترتیب وجه التزام به عنوان ابزاری موثر در تنظیم روابط اقتصادی عمل کند (رشیدی، ۱۳۵:۱۴۰۲). با وجود این مزایا، نقدهایی نیز به شرط وجه التزام وارد شده است. مهم‌ترین نقد آن است که در برخی قراردادها، مبلغ وجه التزام به طور غیرمنطقی و به نفع طرف قوی‌تر تنظیم می‌شود که می‌تواند عدالت قرارداد را مخدوش سازد. در حقوق ایران، ممنوعیت تعدیل قضایی وجه التزام بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی، این نقد را تقویت می‌کند، زیرا دادگاه نمی‌تواند مبلغ مقرر شده را کاهش یا افزایش دهد (محمدی، ۳۲۴:۱۴۰۲). این در حالی است که در نظام‌های حقوقی مانند فرانسه و آلمان، قاضی این اختیار را دارد که در صورت نامتناسب بودن مبلغ، شرط وجه التزام را تعدیل نماید . بنابراین، شرط وجه التزام نهادی تلفیقی است که بر مبنای اصول آزادی قراردادها، وفای به عهد و لزوم تعهدات بنا شده، اما در عین حال باید با رعایت عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده از حق همراه باشد. نظام حقوقی ایران با استناد به ماده ۲۳۰ قانون مدنی، این شرط را معتبر می‌داند ولی انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با شرایط ناعادلانه را ندارد. مقایسه تطبیقی با حقوق فرانسه و آلمان که امکان تعدیل قضایی شرط وجه التزام را پیش‌بینی کرده‌اند، می‌تواند مسیر اصلاحی و توسعه این نهاد در ایران را هموار سازد (رستمی، ۱۲۰:۱۴۰۲).

۳-شرط وجه التزام در حقوق ایران

در حقوق ایران، شرط وجه التزام به عنوان ابزاری برای تضمین اجرای تعهدات قراردادی شناخته می‌شود که در قالب توافقی میان طرفین قرار می‌گیرد. مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی:«اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید.» (قانون مدنی، ۱۳۱۱، ماده ۲۳۰؛۶۲۷). این ماده، اهمیت حفظ ثبات قراردادها و احترام به اراده طرفین را نشان می‌دهد و دخالت قاضی در تغییر مبلغ وجه التزام را ممنوع می‌سازد. این رویکرد محافظه‌کارانه قانونگذار، قصد دارد از بروز اختلافات طولانی جلوگیری کند و ضمانت اجرای محکمی برای تعهدات قراردادی ایجاد نماید (رستمی، ۸۵:۱۴۰۲). وجه التزام در حقوق ایران به عنوان شرطی تبعی و مستقل از اثبات خسارت واقعی مطرح است؛ یعنی طرف متضرر نیازی به اثبات ضرر واقعی ندارد و مبلغ تعیین شده در قرارداد بدون توجه به میزان خسارت واقعی قابل مطالبه است (موسوی،۱۴۰۱:۵۸). این امر باعث می‌شود که متعهد به اجرای دقیق تعهدات خود ترغیب گردد؛ اما از سوی دیگر، فقدان امکان تعدیل مبلغ وجه التزام در نظام حقوقی ایران باعث شده است که گاهی این شرط به ابزاری فشار بر طرف ضعیف‌تر تبدیل شود (محمدی، ۳۲۶:۱۴۰۲). علاوه بر ماده ۲۳۰، ماده ۲۲۷ قانون مدنی نیز به موضوع شرط خسارت قراردادی پرداخته است:«در صورت تخلف، طرف متخلف مکلف است خسارت وارده را بپردازد و میزان خسارت به میزانی است که طرفین قرارداد تعیین کرده‌اند و قاضی نمی‌تواند آن را تغییر دهد.» (قانون مدنی، ۱۳۱۱، ماده ۲۲۷؛۶۲۵). این ماده بر حفظ حاکمیت اراده طرفین تأکید می‌کند، ولی این محافظه‌کاری ممکن است باعث ایجاد ناعدالتی در مواردی شود که مبلغ وجه التزام نسبت به خسارت وارده نامتناسب باشد (رستمی، ۹۰:۱۴۰۲). از منظر فقه امامیه نیز، شرط وجه التزام به طور کلی پذیرفته شده و بر اساس اصل وفای به عهد و احترام به شروط عقود، مشروع شناخته شده است. فقهای معاصر همچون شیخ انصاری و امام خمینی با استناد به آیه شریفه «المؤمنون عند شروطهم» اجرای این شرط را به رسمیت شناخته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق:۱۲۲). البته، فقه شیعه تحقق این شرط را مشروط به رعایت انصاف و عدم مخالفت با موازین شرعی دانسته است که بر ضرورت توازن و عدالت در قراردادها دلالت دارد (خویی، ۱۴۲۲ق:۴۰۵). رویه قضایی ایران نیز غالباً بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی، از تعدیل مبلغ وجه التزام توسط

دادگاه‌ها خودداری می‌کند، مگر در مواردی که شرط مزبور مخالف نظم عمومی یا شرع باشد (محمدی، ۳۲۸:۱۴۰۲). این امر موجب شده تا اجرای شرط وجه التزام در حقوق ایران تا حد زیادی مکانیکی بوده و در مواردی ممکن است منجر به زیان طرف ضعیف‌تر قرارداد شود. در نتیجه، شرط وجه التزام در حقوق ایران به عنوان ابزار مهمی برای تضمین اجرای تعهدات قراردادی شناخته می‌شود؛ اما فقدان امکان تعدیل قضایی مبلغ آن، محدودیت‌هایی در زمینه عدالت قراردادی ایجاد کرده است. بنابراین، اصلاح قانون مدنی با پیش‌بینی امکان تعدیل قضایی وجه التزام در صورت نامتناسب بودن مبلغ، می‌تواند موجب تعادل بهتر و ارتقای عدالت در روابط قراردادی شود (رستمی، ۱۲۳:۱۴۰۲).

۴-تحلیل نهایی و راهکارهای اصلاحی شرط وجه التزام در حقوق ایران

شرط وجه التزام در حقوق ایران به عنوان یکی از ابزارهای مهم تضمین اجرای تعهدات قراردادی شناخته می‌شود، اما با چالش‌های جدی مواجه است که اصلی‌ترین آن‌ها ناشی از عدم امکان تعدیل قضایی مبلغ آن است. مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۱: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید» (قانون مدنی، ۱۳۱۱، ماده ۲۳۰:۶۲۷). این ماده محدودیت مطلقی برای دخالت قاضی در تعدیل مبلغ وجه التزام ایجاد کرده است که موجب شده در مواردی مبلغ به صورت غیرمنطقی بالا تعیین شود و به زیان طرف ضعیف قرارداد تمام شود (رستمی، ۱۴۰۴:۱۲۵). این سختگیری قانونی گرچه از ثبات قراردادها حمایت می‌کند، اما در مواردی عدالت قراردادی را نادیده گرفته و امکان سوءاستفاده را فراهم می‌سازد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای اصلاحی، پیش‌بینی امکان تعدیل قضایی شرط وجه التزام است؛ رویکردی که در نظام‌های حقوقی مانند فرانسه و آلمان رایج است. در این کشورها دادگاه‌ها می‌توانند در صورت نامتناسب بودن مبلغ وجه التزام با خسارت واقعی، نسبت به کاهش یا افزایش آن اقدام کنند تا انصاف و عدالت در اجرای قراردادها تأمین شود (رشیدی،۱۴۰۳:۱۴۰). چنین اصلاحی ضمن حفظ کارکرد تضمینی شرط وجه التزام، از فشارهای نامتناسب به طرف ضعیف جلوگیری می‌کند و تعادل مناسبی بین آزادی اراده و عدالت قراردادی ایجاد می‌نماید. علاوه بر این، قانون‌گذار ایران می‌تواند ماده ۲۳۰ قانون مدنی را اصلاح کرده و معیارها و حدود مشخصی برای تعدیل وجه التزام پیش‌بینی نماید. مثلاً تعیین سقف و کف مبلغ وجه التزام یا تدوین شاخص‌های ارزیابی تناسب مبلغ با خسارت واقعی می‌تواند موجب کاهش اختلافات قضایی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری شود (محمدی،۱۴۰۲:۳۳۰). همچنین، آموزش حقوقی طرفین قراردادها درباره حقوق و تکالیف قراردادی، نقش مؤثری در پیشگیری از سوءاستفاده و کاهش دعاوی ایفا می‌کند. از منظر فقه امامیه، شرط وجه التزام با رعایت انصاف و عدم مغایرت با موازین شرعی پذیرفته شده است؛ چنانکه شیخ انصاری و امام خمینی بر اصل وفای به شرط و عدالت تأکید دارند (انصاری، ۱۴۱۵ق:۱۳۵). لذا تطبیق قوانین مدنی با اصول فقهی، به‌ویژه اصل منع سوءاستفاده از حق و رعایت انصاف، می‌تواند به مشروعیت و استحکام شرط وجه التزام کمک کند. همکاری میان حقوقدانان و فقها در تدوین چارچوبی منسجم و منطبق با ارزش‌های اسلامی و حقوقی ضروری است. بهره‌گیری از تجربیات حقوق تطبیقی نیز می‌تواند در اصلاح شرط وجه التزام مؤثر باشد. در نظام‌هایی مانند فرانسه و آلمان، امکان تعدیل قضایی وجه التزام باعث شده است که ضمن حفظ امنیت قراردادها، اجرای آن عادلانه‌تر باشد و از تضییع حقوق طرفین جلوگیری شود (رستمی،۱۴۰۲:۱۲۸). اقتباس هوشمندانه این تجارب می‌تواند به ارتقای عدالت و ثبات در قراردادهای ایران کمک کند. در نهایت، شرط وجه التزام در حقوق ایران به عنوان نهادی کارآمد نیازمند اصلاحات ساختاری است. اصلاح قانون مدنی برای پیش‌بینی تعدیل قضایی، توجه به اصول فقهی عدالت، آموزش حقوقی طرفین و استفاده از تجارب حقوق تطبیقی، مجموعه راهکارهایی است که می‌تواند از سوءاستفاده جلوگیری کرده و این نهاد را به نهادی پویا و منصفانه تبدیل نماید (رشیدی،۱۴۰۳:۱۴۵).

۵-نتیجه گیری

شرط وجه التزام یکی از نهادهای مهم در قراردادها است که به منظور تضمین اجرای تعهدات طرفین به کار می‌رود. این شرط به طرف متعهد این امکان را می‌دهد که در صورت نقض تعهد، مبلغی معین را به عنوان خسارت یا جریمه پرداخت کند، بدون آنکه نیازی به اثبات میزان خسارت واقعی باشد. در حقوق ایران، اعتبار و آثار شرط وجه التزام بر اساس مواد قانونی خاصی مانند ماده ۲۳۰ قانون مدنی تعیین شده است که نقش مهمی در تعیین چارچوب حقوقی این شرط دارد. در حقوق ایران، شرط وجه التزام به عنوان شرطی تبعی در قراردادها شناخته می‌شود و معتبر است، اما از آنجا که قانون مدنی ایران در ماده ۲۳۰ تصریح کرده است که قاضی نمی‌تواند مبلغ تعیین شده در شرط وجه التزام را تغییر دهد، این شرط از یک جنبه خاص به صورت مطلق و غیرقابل تعدیل باقی می‌ماند. این ویژگی موجب شده است که شرط وجه التزام در برخی موارد به ابزاری برای اعمال فشار و ناعدالتی در روابط قراردادی تبدیل شود. آثار این شرط در حقوق ایران، به طور عمده محدود به قابلیت مطالبه مبلغ تعیین شده بدون نیاز به اثبات خسارت واقعی است. بنابراین، طرف متضرر می‌تواند بدون مراجعه به اثبات میزان خسارت، مبلغ وجه التزام را مطالبه کند. از سوی دیگر، این محدودیت قضایی در تعدیل مبلغ، سبب شده است که عدالت در بعضی قراردادها به خطر بیفتد و در نتیجه فشارهای نامتناسب بر طرف ضعیف قرارداد وارد شود. در مقابل، حقوق فرانسه رویکردی متفاوت نسبت به شرط وجه التزام دارد. در نظام حقوقی فرانسه، قاضی این اختیار را دارد که در شرایط خاص و در صورت نامتناسب بودن مبلغ وجه التزام با خسارت واقعی، آن را کاهش دهد. این امکان تعدیل قضایی، موجب تعادل بیشتر بین آزادی قرارداد و عدالت می‌شود و از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، در فرانسه شرط وجه التزام بخشی از قانون قراردادها است که با رعایت اصول کلی نظم عمومی و انصاف به رسمیت شناخته شده است. حقوق آلمان نیز با ویژگی‌های خاص خود، رویکردی متعادل به شرط وجه التزام نشان می‌دهد. در حقوق آلمان، ضمن حمایت از قرارداد و شرط وجه التزام، امکان تعدیل قضایی آن در قالب مقررات مربوط به «خسارت غیرمتناسب» وجود دارد. اگر مبلغ تعیین شده برای وجه التزام به صورت غیرمنصفانه و غیرعادلانه باشد، دادگاه می‌تواند به درخواست طرف متضرر آن را کاهش دهد. این رویکرد باعث شده که شرط وجه التزام هم ضمانت اجرایی داشته باشد و هم با عدالت و انصاف همراه باشد. نکته مهم دیگر در نظام‌های حقوقی فرانسه و آلمان، توجه به تعادل منافع طرفین قرارداد و جلوگیری از سوءاستفاده است. این کشورها مقررات خاصی را برای جلوگیری از تعیین مبلغ بسیار بالا یا بسیار پایین به عنوان وجه التزام پیش‌بینی کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا شرط وجه التزام نه به عنوان ابزار فشار، بلکه به عنوان تضمینی منصفانه برای اجرای قراردادها عمل کند. مقایسه میان حقوق ایران و این دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که فقدان امکان تعدیل قضایی در حقوق ایران یکی از نقاط ضعف مهم این نهاد است. در حالی که در فرانسه و آلمان این امکان به قاضی داده شده تا در راستای حفظ عدالت و انصاف، مبلغ وجه التزام را تعدیل کند، قانون مدنی ایران در این زمینه سختگیرانه عمل می‌کند و هیچگونه اختیاری به دادگاه برای تغییر مبلغ نمی‌دهد. این تفاوت‌ها در نهایت بر آثار شرط وجه التزام نیز تأثیر می‌گذارد. در حقوق فرانسه و آلمان، شرط وجه التزام همزمان که ابزاری برای تضمین تعهدات است، قابلیت سازگاری با شرایط خاص را دارد و از بروز فشارهای ناعادلانه جلوگیری می‌کند. اما در حقوق ایران، این شرط به دلیل عدم امکان تعدیل، گاهی موجب نابرابری و تضییع حقوق طرف ضعیف می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت که شرط وجه التزام در حقوق ایران از نظر اعتبار رسمی جایگاه مشخص و روشنی دارد ولی از نظر آثار و کارکردهای عملی، نیازمند اصلاحاتی است تا ضمن حفظ تضمین اجرایی قراردادها، عدالت و انصاف نیز رعایت شود. تطبیق با تجارب حقوقی فرانسه و آلمان در زمینه پیش‌بینی امکان تعدیل قضایی و تأکید بر اصول انصاف می‌تواند مسیر مناسبی برای اصلاح این نهاد در حقوق ایران باشد. به طور کلی، نگاه تطبیقی به شرط وجه التزام در این سه نظام حقوقی، ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات ایران را روشن می‌کند تا با ایجاد تعادل مناسب میان ثبات قراردادها و رعایت عدالت، حقوق طرفین قرارداد به بهترین شکل ممکن حفظ شود.

منابع

- انصاری، محمد حسن. (۱۳۹۵). تفسیر جامع اصول فقه (جلد ۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خویی، محمد حسن. (۱۴۲۲ق). الدرر الکامنهٔ فی شرح اللمعهٔ الدمشقیهٔ (جلد ۲). قم: مؤسسه الاعلام الاسلامی.
- محمدی، ناصر. (۱۴۰۲). حقوق مدنی، تعهدات (چاپ دوم). تهران: انتشارات میزان.
- موسوی، علی. (۱۴۰۱). بررسی شرط وجه التزام در قراردادهای حقوق ایران. فصلنامه حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۲(۴)، ۵۰-۶۰.
- رشیدی، سعید. (۱۴۰۳). اصلاحات شرط وجه التزام در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی. مجله حقوق تطبیقی و بین‌المللی، ۸(۱)، ۱۵۰-۱۳۵.
- رستمی، حمید. (۱۴۰۲). تحلیل حقوقی شرط وجه التزام و ضرورت اصلاحات قانونی. فصلنامه حقوقی دانشگاه تهران، ۹(۲)، ۱۳۰-۷۵.
- صفاری، مهدی. (۱۴۰۳). نظریه کارایی قراردادها و وجه التزام. مجله مطالعات حقوق اقتصادی، ۳(۲)، ۹۸-۱۱۰.